

پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

فزاینده‌گی تنگناها و نابسامانیهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور چنان دور نمای خطرناکی را در برابر پدگان هرایرانی قرار داد که اعضا کنندگان زیر بنا بر وظیفه ملی و دینی، در برابر خلق و خدا با توجه به اینکه در مقامات پارلمانی و قضائی و دولتی کشور کسی را که صاحب تشخیص و تصمیم بود و مسئولیت و مأموریتی غیر از پیروی از منویات ملوکانه داشته باشد نمیشناسیم و در حالیکه تمام امور مملکت از طریق صدور فرمانها انجام میشود و انتخاب نمایندگان ملت و انشا قوانین و تأسیس حزب و حتی انقلاب در کف اقتدار شخص اعلیحضرت قرار دارد که همه اختیارات و افتخارها و سیاسها و بنا بر این مسئولیتها را منحصر و متوجه به خود فرموده اند، این مشروح را علیه فرم خطرات سنگین تقدیم حضور مینمائیم.

در زمانی مبادرت به چنین اقدامی میشود که مملکت از هر طرف در لبه های پرتگاه قرار گرفته، همه جریانها به بن بست کشیده، نیازمند بهای عمومی بخصوص خواروبار و مسکن با قیمتهای تصاعدی بی نظیر در چارنایابی گشته، کشاورزی و دامداری رو به نیستی گذارد، صنایع نوپای ملی و نیروهای انسانی در بحران و تزلزل افتاده، تراز بازرگانی کشور و نابرابری صادرات و واردات وحشت آور شده، نفت این میراث گرانبهای خدادادی ~~بمقتضای~~ برنامه های عنوان شده اصلاح و انقلاب ناکام مانده و از همه بدتر نادیده گرفتن حقوق انسانی و آزاد بهای فردی و اجتماعی و نقض اصول قانون اساسی همراه با خشونت های پلیسی به حد اکر رسید و رواج فساد و فحشا و تعلق فضیلت بشری و اخلاق ملی را به تباهی کشانده است.

حاصل تمام این اوضاع، توأم با وعده ها و ادعاهای پایان ناپذیر و گرافه گوئیها و تبلیغات و تحمیل جشنها و تظاهرات نارضائی و نومیدی عمومی و ترک وطن و خروج سرمایه ها و عصیان نسل جوان شده که عاشقانه با او طلب زندان و شکنجه و مرگ میگرددند و دست بکارهائی میزنند که دستگاه حاکمه آنها خرابکاری و

درمورد کتبی

خیانت و خود آنها فداکاری و شرافت مینامند .

این همه ناهنجاری در وضع زندگی ملی را اگر نخواهیم چنانکه ~~صالح~~ ~~کرد~~ ~~مانند~~ ~~توجه~~ ~~فرماندهی~~

بکیم ناگزیر باید مربوط به طرز مدیریت مملکت به انیم ، مد پرتی که برخلاف نص صریح قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر جنبه فردی و استبدادی در آرایش نظام شاهنشاهی پیدا کرده است .
در حالی که "نظام شاهنشاهی" خود برداشتی کلی از نهاد اجتماعی حکومت در پهنه تاریخ ایران میباشد که با انقلاب مشروطیت دارای تعریف قانونی گردیده و در قانون اساسی و متمم آن حدود "حقوق سلطنت" بدون کوچکترین ابهامی تعیین و "قوای مملکت ناشی از ملت" و "شخصریادشاه" از مسئولیت مبری "شناخته شده است .

در روزگار کنونی و موقعیت جغرافیائی حساس کشور ما اداره امور چنان پیچیده گردیده که توفیق در آن تنها با استمداد از همکاری صمیمانه تمام نیروهای مردم در محیطی آزاد و قانونی و با احترام به شخصیت انسانها امکان پذیر میشود .

این مشروحه سرگشاده به مقامی تقدیم میگردد که چند سال پیش در دانشگاه هاروارد فرموده ماند :
"نتیجه تجاوز به آزادیهای فردی و عدم توجه به احتیاجات روحی انسانها ایجاد حس سرخوردگی است و افراد سرخورده راه منفی پیش میگیرند تا ارتباط خود را با همه مقررات و سنن اجتماعی قطع کنند و تنها وسیله رفع این سرخوردگیها احترام به شخصیت و آزادی افراد و ایمان به این حقیقت است که انسانها برد دولت نیستند و بلکه دولت خدمتگزاران افراد مملکت است" و نیز به تازگی در مشهد مقدس اعلام فرمودند : "رفع عیب به وسیله هفت تیر نمیشود و بلکه بوسیله جهاد اجتماعی میتوان علیه فساد مبارزه کرد" .
بنابراین تنها راه بازگشت و رشد ایمان و شخصیت فردی و همکاری ملی و خلاصی از تنگسراها و دشواریهایی که آیند ایران را تهدید میکند ترك حکومت استبدادی ، تمکین مطلق به اصول مشروطیت ، احیای حقوق ملت ، احترام واقعی به قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر ، انصراف از حزب واحد ،

- ۲ -
و تبعاً شدگان

آزادی مطبوعات و اجتماعات، آزادی زندانیان سیاسی و استقرار حکومتی است که منکى بر اگريست

نماینده گان منتخب از طرف ملت باشد و خود را بر طبق قانون اساسی مشول اداره مملکت بداند .

د. الرضا محمدی
رئیس هیئت مدیره

د. کریم سیدی
رئیس هیئت مدیره

د. زین العابدین کمالی
رئیس هیئت مدیره

این مورد مورد تصویب آقایان محترم نامی در انجمن است



مجلس شورای اسلامی
گروه تخصصی حقوق اساسی

www.icsa.org